

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



بسمه تعالی

تاییدیه اعضای هیات داوران حاضر در جلسه دفاع از رساله دکتری

خانم / آقای تعبیلا محمدی  
در تاریخ ۱۳۹۲ / ۴ / ۵  
اعضای هیات داوران نسخه نهایی این رساله را از نظر فرم و محتوا تایید کرده است و پذیرش آنرا برای تکمیل درجه دکتری پیشنهاد می کنند.

رساله ۲۰ واحدی خود را با عنوان: تبیین جامعه‌شناختی جنبش اجتماعی زنان در کشورهای OIC ارائه کردند.

امضاء	رتبه علمی	نام و نام خانوادگی	اعضای هیات داوران
	استادیار	محمد طاهر	۱- استاد راهنمای اصلی
			۲- استاد راهنمای دوم
	استادیار	محمدتاج محمدیان	۳- استاد مشاور اول
	دانشیار	حمید میرزا اده	۴- استاد مشاور دوم
			۵- استاد ناظر
	دانشیار	سرنوستان	۶- استاد ناظر
	دانشیار	سید علی حسینی	۷- استاد ناظر
	استادیار	سعود غفاری	۸- استاد ناظر
	استادیار	ابوالفضل کدو	۹- نماینده شورای تحصیلات تکمیلی

## آیین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی دانشگاه تربیت مدرس

**مقدمه:** با عنایت به سیاست‌های پژوهشی و فناوری دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسان‌ها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهش‌های علمی که تحت عنوان پایان‌نامه، رساله و طرح‌های تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد زیر را رعایت نمایید:

ماده ۱- حق نشر و تکثیر پایان‌نامه/ رساله و درآمدهای حاصل از آن‌ها متعلق به دانشگاه می‌باشد ولی حقوق معنوی پدیدآورندگان محفوظ خواهد بود.

ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه/ رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی باید به نام دانشگاه بوده و یا با تأیید استاد راهنمای اصلی، یکی از اساتید مشاور و یا دانشجو مسؤل مکاتبات مقاله باشد. ولی مسؤلیت علمی مقاله بر عهده استاد راهنما و دانشجو می‌باشد.

تبصره: در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه/ رساله نیز منتشر می‌شود باید نام دانشگاه درج شود.

ماده ۳- انتشار کتاب، نرم‌افزار یا آثار ویژه (اثر هنری مانند فیلم، عکس، نقاشی و نمایشنامه) حاصل از نتایج پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی کلیه واحدهای دانشگاه اعم از دانشکده‌ها، مراکز تحقیقاتی پژوهشکده‌ها، پارک علم و فناوری و دیگر واحدها باید با مجوز کتبی صادره از معاونت پژوهشی دانشگاه و بر اساس آیین‌نامه‌های مصوب انجام شود.

ماده ۴- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه یافته‌ها در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی دانشگاه باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق معاونت پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده ۵- این آیین‌نامه در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ ۱۳۸۷/۴/۱ در شورای پژوهشی و در تاریخ ۸۷/۴/۲۳ در هیأت رئیسه دانشگاه به تأیید رسید و در جلسه مورخ ۸۷/۷/۱۵ شورای دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب در شورای دانشگاه لازم‌الاجرا است.

« اینجانب نعیم محمدی دانشجوی رشته جامعه‌شناسی ورودی سال ۱۳۸۸ مقطع دکتری دانشکده علوم انسانی متعهد می‌شوم کلیه نکات مندرج در آیین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی دانشگاه تربیت مدرس را در انتشار یافته‌های علمی مستخرج از پایان‌نامه/ رساله تحصیلی خود را رعایت نمایم. در صورت تخلف از مفاد آیین‌نامه فوق‌الاشعار به دانشگاه وکالت و نمایندگی می‌دهم که از طرف اینجانب نسبت به لغو امتیاز اختراع بنام بنده و یا هر گونه امتیاز دیگر و تغییر آن بنام دانشگاه اقدام نماید. ضمناً نسبت به جبران فوری ضرر و زیان حاصله بر اساس برآورد دانشگاه اقدام خواهم نمود و بدینوسیله حق هر نوع اعتراض را بر خود سلب نمودم»



امضاء

تاریخ: ۱۳۹۲/۴/۵

«بسمه تعالی»

### ایین نامه چاپ پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به این که چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیتهای علمی - پژوهشی دانشگاه است، بنابر این به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش‌آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می‌شوند:

ماده ۱ در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله) ی خود مراتب را قبلاً به طور کتبی به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲ در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه) عبارت ذیل را چاپ کند:

«کتاب حاضر، حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد/ رساله دکتری نگارنده در رشته است که در سال در دانشکده دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی سرکار خانم/ جناب آقای دکتر ، مشاوره سرکار خانم/ جناب آقای دکتر و مشاوره سرکار خانم/ جناب آقای دکتر از آن دفاع شده است.»

ماده ۳ به منظور جبران بخشی از هزینه های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اهداء کند. دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده ۴ در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس تادیه کند.

ماده ۵ دانشجو تعهد و قبول می کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش تأمین نماید.

ماده ۶ اینجناب نعیم محمدی دانشجوی رشته جامعه شناسی مقطع دکتری تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده و به آن ملتزم می شوم.

نعیم محمدی

۱۳۹۲/۴/۵

نام و نام خانوادگی:

تاریخ و امضا:





دانشگاه تربیت مدرس

دانشکده علوم انسانی  
رساله دکترای جامعه‌شناسی

## عنوان

**تبیین جامعه‌شناختی جنبش اجتماعی زنان در کشورهای عضو کنفرانس اسلامی**

نعیما محمدی

استاد راهنما

دکتر علی محمد حاضری

استادان مشاور

دکتر حمیرا مشیرزاده

دکتر محمدرضا طالبان

تیر ماه ۱۳۹۲

تقدیم به

فرجسں خوبم که رساله دکتریسں ناتمام

به دیار باقی شتافت....

## تقدیر و تشکر

با سپاس از آن وجود برتر که به من انگیزه فهم مسائل اجتماعی مربوط به جهان و جامعه زنان را داد. بی‌شک هیچ خرمی بی‌مدد هیچ خوشه‌ای و هیچ خوشه‌ای بی‌یاری هیچ ریشه‌ای به ثمر نمی‌نشیند به ثمر نشستیم را مدیون راهنمایی‌های مدیرانه و دلسوزانه جناب آقای دکتر حاضری هستیم که دشواری‌های مسیر را هر لحظه، به ندایی و به جلوه‌ای سبز برایم هموار نمودند و در تمام طول راه هدایت گرم بودند. همچنین از سرکار خانم دکتر مشیرزاده و جنای آقای دکتر طالبان به خاطر مشاوره و همراهی‌های بی‌دریغشان سپاس گزارم، بزرگوارانی که پویایی دانششان خواستیم را تا جلوه‌گر ساختن توانستم یاری رساندند.

از آن جا که دسترسی به داده‌های مربوط به سازمان‌های زنان در کشورهای مختلف همراه با دشواری‌های زیادی بود، در این جا لازم است از احساس مسؤلیت علمی و وجدان کاری جناب آقای هاکان گی<sup>۱</sup> و لرس<sup>۱</sup> پروفیسور ویسل بوزکورت<sup>۲</sup>، سرکار خانم دکتر فیلز بالوگلو<sup>۳</sup> اساتید محترم گروه جامعه‌شناسی دانشگاه استانبول و پروفیسور سعید اوزروالی استاد محترم مطالعات فرهنگی و تاریخ در دانشگاه یلدیز تکنیک، سرکار خانم دکتر هدی الاصلاحاتی<sup>۴</sup> در مرکز مطالعات زنان و رئیس دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه قاهره و همچون سرکار خانم سالاری، جناب آقای اسمائیل نیا، جناب آقای محب علی از کارشناسان و سفرای سابق وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران تشکر کنم.

در طول تحصیل در دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس از دانش اساتید فرهیخته‌ای بهره‌مند شدم که نگاهم را برای تبیین مسائل اجتماعی وسعت بخشیدند. از جناب آقای دکتر علی ساعی، جناب آقای دکتر محمدرضایی، جناب آقای دکتر محمدامین قانعی راد، جناب آقای دکتر علی رضا شجاعی‌زند و جناب آقای دکتر عماد افروغ بی‌نهایت سپاس گزارم. در این جا لازم است از انجمن جامعه‌شناسی ایران به خاطر همه خدمتی که به پیشبرد دانش اجتماعی به ویژه برگزاری همایش منطقه‌ای متفکران مسلمان خرداد ۱۳۹۰ تشکر می‌کنم، هم‌اندیشی که نقطه آغاز یک تبادل علمی با اساتید و صاحب‌نظران جامعه‌شناسی در کشورهای مسلمان دیگر شد. در این جا از هیأت محترم داوری که وقت ارزشمند خود را صرف مطالعه انتقادی این رساله کردند تشکر می‌کنم.

این رساله همچنین مح‌صول کمک‌های دلسوزانه مادرم است که همیشه مشوق اصلی من در طول سال‌های تحصیل بوده است. در پایان قدردان وجود دوستان عزیزم سرکار خانم نرجس هاشمی، فهیمه هاشم زاده، نجمه فتح و مهناز مستری هستیم که در کنارشان همیشه بهترین احساس نسبت به زندگی را تجربه می‌کنم.

---

<sup>۱</sup>-Hakan Gunlerce

<sup>۲</sup>-Vaysel Buzcort

<sup>۳</sup>-Fillz Baloglu

<sup>۴</sup>-Hoda Al- Eslahati

## چکیده

مسئله تحقیق حاضر وجود تنوع در مطالبات زنان برای رهایی از سرکوب نظام مردسالار در کشورهای عضو کنفرانس اسلامی است که به یک بلوک فرهنگی-دینی تعلق دارند. جهت تبیین این مسئله با استفاده از روش مطالعه چندموردی (تکنیک پرسشنامه و تحلیل متن) و با استمداد از تئوری اکسل هونت به بررسی تأثیر ساختارهای سلطه سیاسی، قومیتی و مذهبی در شکل‌گیری جنبش‌های زنان در چهار کشور ترکیه، مصر، عربستان سعودی و مالزی پرداخته شد. در هر یک از این کشورها برحسب نوع خاص سلطه گونه‌های متنوعی از جنبش اجتماعی زنان غالب شده است که تنوع مطالبات زنان را توضیح می‌دهد.

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نشان داد ۶۶ درصد از تغییرات مربوط به تنوع مطالبات زنان در این جنبش‌ها تابع ساختارهای سیاسی، قومیتی و مذهبی است. با توجه به این مقدار بخش اول فرضیه تحقیق مبنی بر تابعیت تنوع مطالبات زنان از ساختارهای مذکور تأیید شد. به‌منظور آزمون تئوری هونت و فرضیات تحقیق از تحلیل درختی با استفاده از نرم‌افزار CART استفاده شد، نتایج این آزمون نشان داد به-دلیل سهم زیاد ساختارهای سیاسی در تبیین تنوع مطالبات زنان، میان جنبش زنان در مالزی و ترکیه از یک سو و جنبش زنان در مصر و عربستان از سوی دیگر مشابهت بیشتری وجود دارد. نتایج به‌دست آمده همچنین در راستای تأیید فرضیات تحقیق نشان داد جنبش غالب زنان در ترکیه و مصر علیه اختلال در به‌رسمیت‌شناسی زنان، در عربستان سعودی علیه انکار در به‌رسمیت‌شناسی زنان و در کشور مالزی تابع توان بسیج است.

**واژه‌های کلیدی:** جنبش اجتماعی زنان، نظریه به‌رسمیت‌شناسی، ساختار سیاسی، ساختار قومیتی، ساختار مذهبی، کشورهای عضو کنفرانس اسلامی و تحلیل درختی.



## فهرست مطالب

صفحه	عناوین
۱	۱- فصل اول (کلیات طرح تحقیق).....
۲	۱-۱- مقدمه.....
۳	۱-۲- بیان مسئله.....
۱۱	۱-۳- سؤال تحقیق.....
۱۱	۱-۴- اهداف تحقیق.....
۱۱	۱-۵- ضرورت تحقیق.....
۱۳	۱-۶- نقطه تمرکز زمانی و مکانی.....
۱۴	۱-۷- موانع و مشکلات تحقیق.....
۱۵	۲- فصل دوم (ادبیات تحقیق).....
۱۶	۲-۱- مروری بر تحقیقات پیشین.....
۲۹	۲-۲- میراث ادبیات موجود و آنچه باید انجام شود.....
۳۵	۳- فصل سوم (چارچوب نظری).....
۳۶	۳-۱- بخش اول.....
۳۷	۳-۱-۱- چستی جنبش‌های اجتماعی.....
۳۷	۳-۱-۲- ظهور جنبش‌های اجتماعی جدید.....
۴۰	۳-۱-۳- نسبت میان فرهنگ و سیاست.....
۴۱	۳-۱-۴- عرصه سیاست به رسمیت‌شناسی.....
۴۲	۳-۳- بخش دوم.....
۴۷	۳-۳-۱- اکسل هونت و سنت‌های پیشین.....
۵۰	۳-۳-۲- عدالت تکثرگرایی هونت، عدالت توزیعی فریزر و عدالت رویه‌ای رالز.....
۵۶	۳-۳-۳- بحران در اخلاق به رسمیت‌شناسی.....
۶۰	۳-۳-۴- جنبش به رسمیت‌شناسی و مسئله فمینیسم.....
۶۳	۳-۳-۵- چارچوب نظری.....
۶۵	۳-۳-۶- فرضیات تحقیق.....
۶۶	۴- فصل چهارم (روش تحقیق).....
۶۷	۴-۱- نوع و روش تحقیق.....
۶۷	۴-۲- واحد تحلیل.....
۶۷	۴-۳- جمعیت تحقیق.....

۶۷	۴-۴- انتخاب نمونه.....
۶۸	۴-۴-۱- نمونه‌گیری مرحله اول.....
۷۰	۴-۴-۲- نمونه‌گیری مرحله دوم.....
۷۲	۴-۵- نوع داده‌ها.....
۷۳	۴-۶- روش گردآوری داده‌ها.....
۷۵	۴-۷- مراحل اجرای پرسشنامه.....
۷۵	۴-۸- روش تحلیل داده‌ها.....
۷۶	۴-۹- تحلیل متن بیانیه‌ها و سخنرانی‌ها.....
۷۷	۴-۹-۱- جمعیت.....
۷۷	۴-۹-۲- واحد تحلیل.....
۷۷	۴-۹-۳- پایایی.....
۷۸	۴-۹-۴- اعتبار.....
۷۸	۴-۵- تصریح مفاهیم و سنجش متغیرها.....
۸۴	۵ - فصل پنجم (یافته‌های تحقیق).....
۸۶	۵ ۱ - یافته‌های توصیفی.....
۸۹	۵-۱-۱- تاریخچه جنبش زنان در ترکیه.....
۹۹	۵-۱-۲- تاریخچه جنبش زنان در مصر.....
۱۱۳	۵-۱-۳- تاریخچه جنبش زنان در عربستان.....
۱۲۸	۵-۱-۴- تاریخچه جنبش زنان در مالزی.....
۱۴۰	۵ ۴ - توصیف ساختارهای سیاسی، قومیتی و مذهبی.....
۱۴۲	۵ ۳ - یافته‌های مرتبط با فرضیات تحقیق.....
۱۵۱	۵ ۴ ۱ تحلیل رگرسیون.....
۱۵۳	۵ ۴ ۲ تحلیل درختی.....
۱۵۷	۶ - فصل ششم (بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادات).....
۱۵۸	۶ ۱ - بحث و نتیجه‌گیری.....
۱۶۵	۶ ۴ - پیشنهاد برای تحقیقات آینده.....
۱۶۶	فهرست منابع.....
۱۶۶	الف) منابع فارسی.....
۱۷۰	ب) منابع عربی.....
۱۷۰	ج) منابع انگلیسی.....
۱۷۸	پیوست.....

# فصل اول

## کلیات طرح تحقیق

در میان ایدئولوژی‌ها و سازمان‌های سیاسی جدیدی که بعد از دوره روشنگری غرب مطرح شد، فمینیسم به عنوان یک جنبش رهایی‌بخش، پارادایم جدیدی در مناسبات قدرت ایجاد کرد. این ایدئولوژی در غرب متناسب با نیازهای آن جامعه الگوهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در ارتباط با زنان ارائه داد (Finley, 1999: 159).

جنبش فمینیسم در غرب متأثر از بنیادهای فکری مدرنیسم و با هدف هویت بخشی به زنان در مقابل نظام مردسالار به تولید دانش رهایی بخش پرداخت (Zalewski, 2000: 68). حقیقتی که فمینیسم مدرن از آن در تولید دانش خود صحبت می‌کند، چالش با بی‌عدالتی و تلاش برای دست‌یابی به حقوقی برابر با مردان است. به این ترتیب، سیاست فمینیسم مدرن ساخت یک عاملیت خودمختار و آزاد است که قادر به کنترل و مهار زندگی خود باشد (قانع‌راد و محمدی، ۱۳۸۸: ۱۵).

همزمان با شکل‌گیری و گسترش جنبش‌های اجتماعی زنان در دنیای غرب چالش‌ها و تناقضاتی میان مطالبات زنان مسلمان با رژیم‌های سنتی-مذهبی در کشورهای اسلامی شکل گرفت. از آن‌جا که در این کشورها فمینیسم به عنوان یک ایدئولوژی رقیب مطرح می‌شود، مقاومت‌های جدی‌تری میان فعالان حقوق زن و نخبگان حکومت به وجود آمد.

در برخی از این کشورها حکومت متأثر از فمینیسم مدرن به تعریف هویت زن مسلمان پرداخت. در چنین شرایطی نبرد اصلی میان حکومت و اسلام گرایانی درگرفت که به شکل نهادی در شناسایی هویت شان از سوی حکومت اختلال ایجاد شده بود. گروه دیگر شامل کشورهایی است که حکومت متولی برساختن سوژه زن با توجه به مبانی اسلامی است درحالی که هویت بخش دیگری از زنان سکولار و ملی‌گرا نادیده گرفته می‌شود. همین مسئله زمینه‌ساز انجام این تحقیق و یافتن پاسخی مناسب جهت تبیین چرایی وجود مطالبات متنوع در جنبش زنان<sup>۱</sup> مسلمان شد.

در این فصل ابتدا مسئله تنوع مطالبات زنان طرح سپس با ارائه شواهد تاریخی و تجربی به اثبات وجود این مسئله اجتماعی و چالش‌های ناشی از آن در کشورهای مختلف اسلامی پرداخته می‌شود. در این فصل همچنین به اهداف، ضرورت و در نهایت نقطه تمرکز زمانی و مکانی تحقیق اشاره می‌شود.

## ۱-۴ - طرح مسئله

---

<sup>۱</sup> - مراد از جنبش‌های زنان در این تحقیق صرف‌نظر از میزان و سطح جنبش که ممکن است طبق تعاریف رسمی در علوم اجتماعی خصوصیات مشخصی داشته باشد، کنش‌های اعتراض‌آمیز و آگاهانه تعدادی از زنان است که برای شناسایی و طرح مطالبات برابری طلبانه خود به شکل سازمانی عملکرد حکومت را به چالش می‌کشند.

جنبش‌های رهایی‌بخش از دهه ۱۹۶۰ به بعد با دغدغه دستیابی به حقوق سیاسی و اقتصادی توسط زنان آغاز شدند. این جنبش‌ها ساز و کارهای جدیدی را برای تأثیرگذاری گروه‌های مورد تبعیض واقع شده بر نخبگان سیاسی فراهم آوردند (Jeremy, ۲۰۰۱: ۸۹). موضوع نبرد اجتماعی زنان در این دوره نزاع برای شناسایی بود (Watanabe, ۲۰۰۱: ۸۰۶). این تلاش‌ها ابتدا در اروپای غربی و سپس با حفظ مطالبات اصلی در آمریکا طرح شد و سیر نسبتاً مشخصی را پشت سر گذاشت (قانع‌راد و محمدی، ۱۳۸۸: ۱۷). اگرچه در زمانی نسبتاً دیرتر زنان در کشورهای اسلامی هم مبارزاتی برای به رسمیت‌شناسی<sup>۱</sup> هویت اجتماعی خود علیه تسلط مردانه<sup>۲</sup> شکل دادند؛ اما همواره دامنه وسیعی از تناقضات و پیچیدگی‌ها در تبیین ماهیت جنبش زنان مسلمان وجود دارد.

با توجه به این‌که همه کشورهای عضو کنفرانس اسلامی فرهنگ دینی واحدی دارند، طبق نظریات مکتب انتقادی و کارکردی انتظار می‌رود مطالبات زنان در این کشورها همگونی بیشتری داشته باشند. در حالی‌که شواهد زیادی مبنی بر وجود مطالبات متناقض زنان در این کشورها وجود دارد که از طریق سازمان‌های جنبش پیگیری می‌شود. در واقع آن‌چه موضوع این مطالعه را به یک مسئله اجتماعی مبدل کرده است وجود تنوع و تناقض در مطالبات زنانی است که در یک بستر دینی مشترک زیست می‌کنند. یک دسته از این مطالبات توسط فمینیست‌های دینی شکل گرفته اند که جنبش‌های غیراسلامی، ضداسلامی و فمینیست‌های اسلامی<sup>۳</sup> را در خود جای می‌دهند. دسته دیگر مطالبات زنان در بستر جنبش‌های تجددگرا است که از سوی فمینیست‌های لیبرال، سوسیال و رادیکال مطرح شده‌اند. گروه دیگر جنبش‌های پسافمینیسم و فمینیسم پست مدرن است که در بستر مباحثات پساتجددگرایی طرح شده‌اند. هر یک از این نیروهای اجتماعی برای رهایی‌بخشی زنان در کشورهای اسلامی با تکیه بر ایدئولوژی خود گفتمان خاصی را ارائه می‌دهند (Moadel, ۲۰۱۰: ۵۳۳). پیگیری این مطالبات در برخی از این کشورها از طریق شکل‌گیری یک جنبش اجتماعی انجام شده است و در برخی دیگر از این کشورها اساساً جنبش به معنای جامعه‌شناختی آن هنوز شکل نگرفته است. در هر حال شواهد زیادی نشان می‌دهند در یک دهه اخیر نخبگان حاکم در جوامع اسلامی از سوی طیف‌های مختلف زنان اعم از گروه‌های اسلام‌گرا و سکولار که همگی خواهان به رسمیت‌شناسی هویت و حقوق‌شان هستند تحت فشار قرار گرفته‌اند.

---

<sup>۱</sup>-Struggle For Recognition

<sup>۲</sup>-Mail Domination

<sup>۳</sup> فمینیسم اسلامی از اوایل سال ۱۹۹۰ در پاسخ به ناکامی‌های مکتب سکولاریسم و بنیادگرایی اسلامی در اعمال سیاست‌های جنسیتی در برخی کشورهای مسلمان نظیر مصر و ایران رواج پیدا کرد (Nardab, ۲۰۰۵: ۷).

بررسی وضعیت زنان در کشورهای نظیر مصر، افغانستان، مراکش، مالزی، ترکیه، اردن، تونس، لبنان و ... نشان می‌دهد مطالبات مختلفی از سوی زنان اسلام‌گرا و سکولار به منظور ایجاد تغییر در نظم موجود و به رسمیت شناخته شدن هویت آنان مطرح شده است (McCarthy, 1992: 840). یکی از مهم‌ترین مطالبات زنان که زمینه‌ساز کشمکش‌های سیاسی و اجتماعی میان زنان و هیأت حاکم شده است تلاش برای مشارکت سیاسی است. به عنوان مثال زنان آذربایجانی در سال ۱۹۱۸ برای دستیابی به حق رأی نظام مردسالار را تحت فشار قرار دادند و سرانجام در سال ۱۹۲۱ توانستند اولین کشور مسلمانی باشند که در آن زنان از حق رأی دادن و انتخاب شدن برخوردار باشند (Wadud, 2004: 87). در کویت تا سال ۲۰۰۵ موضوع شرکت در انتخابات و حق رأی در سازمان‌های زنان مطرح نشد، اما در نتیجه تلاش سازمان‌های زنان در کویت برای اولین بار در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۶ زنان موفق به شرکت در انتخابات شدند. زنان کویتی در این دوره نتوانستند هیچ کرسی را از آن خود کنند، اما در سال ۲۰۰۷ برای سه وزارتخانه وزیر زن انتخاب شد (گزارش اداره امور بین‌الملل وزارت امور خارجه، ۱۳۸۷: ۱۰۳). جنبش زنان ملی‌گرا در بنگلادش علیه ملاها که با هر نوع مشارکت سیاسی زنان مخالفت می‌کردند عاقبت در ۱۹۷۲ پیروز شد و زنان توانستند به حق رأی دست پیدا کنند (Chowdhury, 2009: 415).

از دیگر مطالبات چالش‌زای زنان در کشورهای اسلامی مبارزه برای حق وق مدری است. در ترکیه از سال ۱۹۲۶ همزمان با تأکید دولت وقت به تجدیدگرایی تلاش سازمان‌های مستقل زنان برای برخورداری از حقوق شهروندی آغاز شد، سرانجام در سال ۱۹۳۴ در نتیجه تلاش‌های جنبش زنان کمالیسم قانون چندمتری منسوخ شد و ازدواج مدنی جای ازدواج شرعی را گرفت. در این دوره زنان با نقد گروه‌های اسلام‌گرا خواهان رسیدگی به تقاضای طلاق از سوی طرفین ازدواج شدند (Mohammadi & Hazeri, 2013: 54). دولت پاکستان در سال ۱۹۶۰ یک لایحه تجدیدگرایانه در راستای به رسمیت‌شناسی حقوق برابر زنان با مردان تصویب کرد این لایحه در سال ۲۰۰۰ با مخالفت دادگاه شریعت فدرال و سازمان زنان اسلام‌گرا مواجه شد، زیرا برخی مفاد آن مغایر با اسلام اعلام شد. امروز چالش فمینیست‌های لیبرال در پاکستان با دولت بر سر لغو نابرابری زنان به عنوان شهروند درجه دوم بر سر ازدواج دخترچپه‌ها، قانون ارث، تعدد زوجات و مسئله طلاق است (Moadel, 2010: 538).

در عربستان سعودی این رویارویی سابقه طولانی ندارد و در مقایسه با دی‌گر کشورهای اسلامی در سطحی پایین‌تر قرار دارد، زنان در این کشور تازه از سال ۲۰۰۱ در صورت داشتن مجوز از سوی سرپرست حق برخورداری از یک کارت شناسایی مستقل دارند. در این کشور عنوان سرپرست در وهله اول به پدر و در وهله دوم به شوهر اطلاق می‌شود. تا پیش از آن اسامی زنان در کارت‌های پدر یا شوهر ذکر می‌شد (گزارش

سازمان دیده بان حقوق بشر، ۲۰۱۰: ۱۶). در نتیجه تلاش سازمان‌های زنان تجددگرا در عربستان در سال ۱۹۹۰ پادشاه سعودی با مطالبه زنان مبنی بر حق رانندگی با اتومبیل شخصی مواجه و در نتیجه فشار آنان نظام حاکم مجبور به بازنگری در برخی قوانین مدنی شد (سعداوی، ۱۳۸۲: ۱۰۹).

در افغانستان نیز طی زمامداری طالبان سخت‌گیری‌های رادیکالی علیه زنان از سوی دولت اجرا شد؛ در این دوره هیأت حاکم هر نوع حقوق اجتماعی و سیاسی زنان را انکار و آنان را به سوژه ای منفعل در امور اجتماعی و سیاسی مبدل کرد. دیری نپایید که با روی کار آمدن دولت جدید، تعداد زیادی سازمان‌های زنان در افغانستان تأسیس شد<sup>۱</sup> و مطالبات زنان طبقه متوسط حول مشارکت سیاسی، بازنگری در حقوق مدنی و آموزش زنان اوج گرفت. مهمترین مطالبات سازمان‌های زنان اصلاح قانون ازدواج و خانواده است (Moghadam, ۱۹۸۹: ۵۴).

در ایران هم به‌عنوان یکی دیگر از کشورهای عضو کنفرانس اسلامی تا پیش از انقلاب ۱۹۷۹ زنان اسلام‌گرا و کمونیست به‌منظور مقابله با سیاست‌های لیبرال رژیم پهلوی حضوری فعال در جریان انقلاب نشان دادند (Moghadam, ۱۹۸۹: ۴۱). آن‌ها مخالف جدی سیاست‌های رژیم پهلوی در حوزه مسائل زنان و خواهان تغییر قوانین مدنی بودند، بنابراین با مشارکت این گروه‌ها رژیم پهلوی سقوط کرد. پس از پیروزی انقلاب تحولات جدیدی در نظام حقوقی و مسائل مربوط به زنان و خانواده شکل گرفت. در این دوره فمینیست‌های سکولار در داخل و خارج از ایران از وجود قوانین تبعیض‌آمیز علیه زنان انتقاد کرده و فقه سنتی را [به‌عنوان مانع برابری جنسیتی] به چالش می‌کشند (زاهد به نقل از قیطانچی، ۱۳۸۵: ۱۵۸).

در مصر هدی شعراوی<sup>۲</sup> از سال ۱۹۲۳ مسئله حقوق مدنی زنان را از طریق «جمعیت اتحاد زنان» محور اصلی مطالبات خود قرار داد. در این کشور به موجب «قانون جهان» که انور سادات در سال ۱۹۷۹ به تصویب رسانده بود، زنان از اختیارات زیادی برخوردار شدند. اگر چه این قانون مورد حمایت زنان برابری-طلب مصری قرار گرفت، اما در سال ۱۹۸۵ اسلام‌گرایان مدعی شدند انور سادات این قانون را به صورت لایحه از مجلس نگذرانده و آن را مغایر با قانون اساسی مصر معرفی کردند (حاضری و محمدی، ۱۳۹۱: ۳۷). سرانجام دولت مصر در سال ۱۹۹۱ در نتیجه این فشارها «سازمان همکاری‌های زنان عرب» و «قانون جهان» را ملغی اعلام کرد (Karam, ۱۹۹۸: ۳). اما در سال ۱۹۹۹ حسنی مبارک با احیای سیاست سکولار به تقسیم قدرت با فمینیست‌های مصری پرداخت و دستور تشکیل مجلس ملی زنان را داد تا از جنبش فکری زنان لیبرال مصر در تحقق آزادی سیاسی دفاع کند (سعداوی، ۱۳۸۲: ۱۰۹). در این سال‌ها به‌دلیل بهبود

<sup>۱</sup> طبق گزارشی که از سوی مرکز خبری بی بی سی منتشر شده است از سال ۲۰۰۷ تا کنون تعداد سازمان‌های غیردولتی مدافع حقوق زنان در افغانستان ۲/۵ برابر شده است (BBC News, ۲۰۰۷).

<sup>۲</sup>-Hoda Sharavi

رابطه با غرب سیاست‌های دولت در حوزه زنان به شکل سکولار تدوین و اجرا شد و همین مسئله مقاومت زنان اسلام‌گرا از جبهه اخوان المسلمین و احیاء اسلامی را برانگیخت (شادلو، ۱۳۷۷: ۳۵).

اما در تونس مطالبات زنان در قالب جنبش اجتماعی مولد نبردهایی میان دولت و سازمان‌های زنان بود. در این کشور «اتحادیه زنان مسلمان» به رهبری بشیره مراد<sup>۱</sup> در راستای توجه به حقوق برابر زنان تأسیس و مبدل به یک سازمان مهم در بیان مطالبات آن در برابر گروه‌های مخالف به ویژه جناح اسلام‌گرا شد (کردستانی، ۱۳۸۸: ۱۷۳).

مهمترین چالش سازمان زنان در کشورهای مسلمان آفریقایی در حوزه حقوق مدنی در قالب مبارزه با ختنه زنان مطرح شده است. به‌منظور مقابله با این سیاست «انجمن زنان مسلمان آفریقایی» به‌شکل سازمان‌یافته و با استمداد از سازمان ملل برای مقابله با ناقص‌سازی اندام جنسی دختران و ممنوعیت قانونی آن بر دولت فشار آوردند. در نتیجه اقدامات این سازمان‌ها هم اکنون ختنه زنان در ۱۵ کشور آفریقایی ممنوع اعلام شد. در مصر، مجلس شورای ملی با تصویب قانونی در تاریخ هفتم ژوئن ۲۰۰۸ میلادی، ختنه زنان را به جز در «شرایط استثنایی» جرم به شمار آورد. برخی فعالان زنان معترضند که درج عبارت «شرایط استثنایی» موجب کاهش تأثیر قانون و تفسیر متعدد آن خواهد شد. تلاش زنان مسلمان آفریقایی برای افزایش حقوق مدنی زنان همچنان ادامه دارد (El-Safy, ۲۰۰۴: ۲۷۹).

همان‌طور که شواهد مذکور نشان می‌دهد در هر یک از کشورهای عضو کنفرانس اسلامی موضوع مربوط به زنان یک شکاف اجتماعی فعال در عرصه سیاسی ایجاد کرده است که از یک سو در نتیجه برخورد میان این نیروهای اجتماعی و هیأت حاکم سطوح متفاوتی از جنبش را شکل داده و از سوی دیگر مطالبات متنوعی برای رهایی و آزادی زنان طرح شده است. در این‌جا به منظور روشن شدن مسئله وجود تنوع و تناقض مطالبات زنان در کشورهای مختلف اسلامی به چالش‌برانگیزترین این موضوعات اشاره می‌شود:

مسأله «دسترسی به آموزش» یکی از مهم‌ترین مسائل زنان در سال‌های اخیر است که منجر به تولید گونه‌های مختلفی از جنبش‌های زنان در کشورهای اسلامی شده است. طی ده سال اخیر در کشور مالزی دانشگاه‌های بین‌المللی زیادی تأسیس شده است که در آن‌ها هیچ نوع محدودیت جنسیتی برای ادامه تحصیل زنان مسلمان در رشته‌های مختلف تحصیلی وجود ندارد. دانشگاه‌های آزاد و پیشرفته در این کشور امکان جذب گروه‌های مختلف زنان اسلام‌گرا و سکولار را به‌طور همزمان از نقاط مختلف جهان فراهم کرده است. بر اساس گزارش وزارت امور زنان در مالزی از سال ۲۰۰۲ این وزارت‌خانه ناظر بر آموزش عالی دختران فارغ از نژاد، مذهب و ملیت آنان است (گزارش اداره بین‌المللی امور زنان وزارت خارجه، ۲۰۱۰:

<sup>۱</sup>-Bashireh Morad



۴۶). دانشگاه‌های مالزی در امر آموزش از یک سو تابع قواعد غربی و از سوی دیگر مقید به زبان انگلیسی هستند (Rinaldo, ۲۰۱۰: ۴۲۳).

در ترکیه تا سال ۱۹۲۷ تعداد زیادی از زنان قادر به خواندن و نوشتن نبودند، اما با تلاش‌های دولت کمال آتاتورک به منظور تجدیدگرایی به ویژه در امور مربوط به زنان به دختران باسواد ۲۰۰ لیر انعام پرداخت شد و در نتیجه این سیاست در سال ۱۹۳۶ نرخ باسوادی زنان دو برابر شد. دولت سکولار ترکیه در یک دوره متأثر از برنامه فرهنگی دولت فرانسه و به منظور پیوستن به اتحادیه اروپا از ورود زنان محجبه به مراکز دانشگاهی ممانعت به عمل آورد. اگرچه بعد از پیروزی حزب اسلام‌گرا با آموزش دختران با حجاب موافقت شد، اما دیری نپایید که در سال ۱۹۹۸ شورای امنیت ملی ترکیه بنیادگرایی اسلامی را تهدیدی جدی علیه دولت ترکیه معرفی کرد و بسیاری از دانشگاه‌ها از ورود دانشجویان با حجاب جلوگیری کردند. از جمله دانشکده پزشکی دانشگاه استانبول ۳۵۰۰ دانشجوی محجبه را اخراج کرد. سازمان‌های زنان علیه این قانون دست به اعتراض زدند. خانم امینه سنلیک اوغلو<sup>۱</sup> قوانین تبعیض آمیز دولت را نقد و قربانیان را به اعتراض عمومی دعوت کرد. همزمان با روی کار آمدن دولت اسلام‌گرای اردوغان از سال ۲۰۰۵ این محدودیت‌ها در نظام آموزشی حذف و آزادی پوشش زنان در دانشگاه‌ها به رسمیت شناخته شد (رضایی سیاوشانی، ۱۳۷۷: ۷۱).

رقیه سخاوت حسین<sup>۲</sup> فعال سیاسی بنگلادشی از پیشگامان فعال در عرصه آموزش و پرورش زنان، مهم‌ترین انگیزه از مشارکت در جنبش زنان را حق تحصیل آنان می‌داند. او در سخنرانی خود می‌گوید: «مخالفتان دسترسی زنان به آموزش معتقدند که اگر زنان به تحصیل علم بپردازند نانجیب و بی‌عفت می‌شوند». (مهرآیین، ۱۳۸۸: ۲۳۵). یکی از مهم‌ترین برنامه‌های سازمان زنان در بنگلادش تشویق زنان به آموزش در سطوح عالی است. در این کشور در نتیجه فعالیت سازمان‌های زنان هر نوع موانع قانونی مبنی بر نابرابری آموزشی لغو شده است.

در ایران مسئله آموزش اجباری و مساوی دختران و پسران به سال ۱۹۳۰ برمی‌گردد. تلاش برای تشویق زنان به ام‌ر آموزش در حالی بود که میزان بی‌سوادی زنان در این دوره به ۹۵ درصد می‌رسید (ساناساریان، ۱۳۸۴: ۱۱۰). اگرچه پس از پیروزی انقلاب اسلامی حضور زنان در آموزش عالی منوط به رعایت پوشش اسلامی شد، اما از سال ۲۰۰۶ تا کنون تقاضای زنان برای ورود به دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی با سرعت زیادی افزایش یافت. افزایش تعداد دختران نسبت به پسران در دانشگاه‌ها موجب نگرانی‌هایی برای آینده جامعه شد، بنابراین به منظور حل این مسئله طرح «سه‌میه‌بندی جنسیتی» در آموزش

<sup>۱</sup>-uolkO kilneS nenimA

<sup>۲</sup>-Roghieh Sekhvat Hosyn

عالی از سوی دولت مطرح شد. در سال ۲۰۱۲ وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری تحصیل دختران را در برخی رشته‌های تحصیلی ممنوع کرد<sup>۱</sup>. این طرح موجب اعتراض گروهی از فعالان حقوق زنان شد که خواهان نظام آموزشی برابر و مختلط بودند. پیش از آن نیز در سال ۲۰۰۸ سیاست «اسلامی کردن دانشگاه‌ها» به منظور مبدل کردن دانشگاه به یک محیط اسلامی در دستور کار دولت قرار گرفت و طرح «تفکیک جنسیتی» در برخی دانشگاه‌ها اجرا شد (سمیعی اصفهانی و فتحی مظفری، ۱۳۹۰: ۱۰۰).

در عربستان وجود ماده ۱۵۳ سیاست آموزشی هدف از آموزش دختران را آموختن احکام قرآن برای انجام وظایف همسری و مادری اعلام می‌کند، بنابراین تا سال ۲۰۰۲ اداره هدایت دینی بر آموزش دختران نظارت داشت و مانع از آموزش مدرن در مدارس دخترانه می‌شد. در نتیجه افزایش اعتراض سازمان‌های زنان در عربستان به این ماده، آموزش دختران تا سطوح عالی با اجازه سرپرست قانونی آن‌ها بلامانع اعلام شد. البته همچنان در برخی دانشگاه‌های دولتی این کشور نظیر دانشگاه ملک فهد در ریاض هیچ زنی پذیرفته نمی‌شود. در برخی دانشگاه‌های خصوصی هم در رشته‌های مهندسی و حقوق زنان حق تحصیل ندارند (گزارش سازمان دیده بان حقوق بشر، ۱۳۹۰: ۱۸). همچنین در سال ۲۰۱۲ روحانیون وهابی در نتیجه فشار سازمان‌های زنان در داخل و خارج از کشور استفاده زنان از اینترنت را بدون حضور محارم مجاز اعلام کردند (گزارش دیده بان حقوق بشر، ۱۳۹۰: ۳۲).

در افغانستان مخالفت فعالان حقوق زنان در برابر رویکرد طالبانیسم در برابر تحصیل دختران شکل گرفت. براساس این ایده هر نوع آموزش و پرورش زنان غیرشرعی و غیرقانونی تلقی می‌شود. به همین دلیل تا سال ۲۰۱۰ حدود ۴۳ مدرسه مورد هجوم قرار گرفت و طبق آمار انتشار یافته از سوی مراکز رسمی بیش از ۳۷۹ دانش آموز دختر طی سال گذشته قربانی این حملات قرار گرفتند (Cole, 2003: 801). هر یک از این رویکردها در کشورهای اسلامی نوع خاصی از مقاومت را توسط زنان برانگیخته است (Feldman, 1992: 798).

در مصر برخلاف دیگر کشورهای عضو کنفرانس اسلامی تقاضای زنان برای آموزش عالی همزمان با افزایش ارتباطات بین‌المللی، برنامه‌های نوسازی و اصلاحات اجتماعی در سال ۱۹۲۳ طبق قانون اساسی آموزش زنان را در اولویت قرار داد. در این دوره اعزام هیئت‌های دانشجویی دختران به اروپا برای ادامه تحصیل فرصت‌های حرفه‌ای زیادی به همراه داشت. دانشگاه‌های داخلی نظیر دانشگاه فؤاد و الازهر به شیوه‌ای

---

<sup>۱</sup> بنا به خبرگزاری مهر ممنوعیت برای دختران به رشته‌هایی همچون حسابداری، مرمت بناهای تاریخی، نقشه‌برداری، شیمی محض، مهندسی عمران، معدن و مهندسی کشاورزی گرایش ماشین آلات اختصاص داده شده است. دانشگاه محقق اردبیلی در ۲۴ رشته، لرستان با ۱۸ رشته و دانشگاه بین‌المللی امام خمینی با ۱۵ رشته پذیرش دختران را ممنوع اعلام کردند.

مدرن و منطبق با نظام آموزشی غرب به ویژه در رشته های پزشکی به تربیت دختران پرداخت. این شیوه کار در دستور کار دولت های مختلف مصر از زمان محمدعلی پاشا تا دوره حسنی مبارک بود. سیاست های آموزش زنان در این کشور هیچ گاه وجه سیاسی به خود نگرفت به همین دلیل در همه این دوره ها سازمان های زنان اعم از اسلام گرایان و سکولارها از آن حمایت می کردند. یکی از ویژگی های جنبش زنان در مصر همکاری متقابل جناح های مختلف سیاسی در ارتقاء وضعیت تحصیلی زنان است. از این رو در سال ۲۰۰۰ «اتحادیه طرفداران آزادی زنان» متشکل از زنان اسلام گرا و تجددگرا دست به انتشار مجلات مشترکی جهت ارتقاء وضعیت تحصیلی دختران طبقات مختلف زدند. از جمله این همکاری ها انتشار مجله *الفتاة النيل<sup>۱</sup>، الجنس اللطيف<sup>۲</sup> و انيس الجليس<sup>۳</sup>* است (شادلو، ۱۳۷۷: ۳۸).

از دیگر موضوعات مهم و چالش برانگیز زنان در کشورهای اسلامی مسأله «ازدواج و خانواده» است. مواضع هر یک از دولت های اسلامی در قبال این پدیده اجتماعی متفاوت است و به تبع آن مطالبات زنان در سال های اخیر نیز به اشکال مختلفی مطرح شده است. بعد از کنفرانس بین المللی ۱۹۱۷ دیری نپایید که بسیاری از کشورهای دموکرات اسلامی به ازدواج چندزنی پایان دادند و آن را غیرقانونی و مشمول مجازات های مدنی قرار دادند از جمله این کشورها می توان به دولت ترکیه، بنگلادش، لبنان، مالزی، اندونزی، الجزایر و ... اشاره کرد (Karam, ۱۹۹۸: ۹). اگرچه اسلام گرایان در این کشورها چنین ممنوعیتی را غیرشرعی می دانند، اما با توجه به ضرورت های مدنی با اجرای آن مخالفتی ندارند. یکی از مهم ترین دلایل چنین توافقی میان سازمان های زنان اسلام گرا با مواضع غیرمذهبی دولت تفوق سیاست های تجددگرایانه و تأثیر نهادهای غرب در این کشورها است (rellah, ۲۰۱۱: ۱۲).

در برخی از کشورهای عربی خانواده با حفظ کارکردهای پیشین خود همچنان تابع سنت صدر اسلام است (محمدی، ۱۳۸۹: ۱۹۹). در عربستان، کویت، امارات، بحرین، عمان، مراکش و بسیاری دیگر از کشورهای عربی و آفریقایی مسئله تعدد زوجات نه تنها امری نکوهیده و غیرقانونی نیست که طرفداران زیادی هم دارد. در این کشورها محور اصلی مبارزات سازمان های زنان مسئله تعدد زوجات نیست؛ زیرا اساساً این موضوع دارای پذیرش فرهنگی و توجیه مذهبی است (Al-Krenawi, ۱۹۹۷: ۴۱۹).

در ایران قانون حمایت از خانواده به سال ۱۹۶۴ برمی گردد که بر اساس آن تعدد زوجات منوط به اجازه همسر اول شد؛ اما در سال ۲۰۰۹ دولت با تجدید نظر در بند ۲۳ لایحه حمایت از خانواده موضوع حذف تبصره اجازه همسر اول در اختیار کردن زن دوم را مطرح کرد. به موجب طرح این لایحه یکی از مطالبات

<sup>۱</sup>-Fatat-al- Nil

<sup>۲</sup>-Al- Jins al-Latif

<sup>۳</sup>-Anis al-Jalis

جدی فعالان حقوق زنان در ایران تا سال ۲۰۱۰ بازنگری در این لایحه و محدود نمودن اختیارات مرد در تعداد همسر بود. البته این لایحه در ایران هیچ گاه به قانون مبدل نشد و در همان مراحل اولیه در نتیجه مخالفت‌های گروه‌های مختلف زنان متوقف شد. هم‌اکنون چندهمسری در ایران به صورت مشروط، قانونی شناخته می‌شود.

همان‌طور که مطرح شد تعدد زوجات به عنوان یک پدیده اجتماعی در برخی کشورهای اسلامی به صورت امری هنجارمند و قانونی پذیرفته شده است. اساساً هیچ‌گونه مقاومتی از سوی زنان علیه هیأت حاکم به وجود نیاورده است. در گروهی دیگر از کشورهای اسلامی در نتیجه اعتراض فعالان حقوق زنان و قدرت جامعه مدنی امروز امری غیرقانونی است و جرم تلقی می‌شود (محمدی و شیخی، ۱۳۸۸: ۲۱).

این اختلاف نظرها حتی در خصوص «مسأله حجاب» نیز وجود دارد؛ موضوعی که اندیشمندان غربی و فمینیست‌های لیبرال از آن به عنوان نماد قدرتمند ظلم به زنان مسلمان نگاه می‌کنند در جهان اسلام به انحاء مختلف مورد توجه قرار گرفته است. قاسم امین متفکر لیبرال مصری حجاب را خشونت علیه زنان می‌داند و نظیره زین الدین اندیشمند لبنانی به سختی از حجاب انتقاد و به دفاع از لباس مخصوص طبقه متوسط اروپایی برای زنان مسلمان می‌پردازد. از سوی دیگر رشید رضا، موسی کاظم و باحثات البادیه که از مهم‌ترین اندیشمندان جهان اسلام به شمار می‌روند معتقدند حجاب برای زنان مفید است و تنها راه ورود آنان به عرصه عمومی محسوب می‌شود (مهرآیین، ۱۳۸۸: ۲۴۳). هبه رئوف عزت فعال حقوق زنان و دبیر سازمان اسلام‌گرای زنان مصری حجاب را به عنوان امری مطلوب و مشخصه زن مسلمان می‌داند و از سیاست‌های سکولار دولت مبارک انتقاد می‌کند.

البته عملکرد دولت‌ها نیز در قبال مطالبات سازمان‌های زنان متفاوت است، در یک سمت دولت ترکیه، مصر (در دوره مبارک) و مالاوی قرار دارد که از منع حجاب زنان در عرصه عمومی<sup>۱</sup> سخن به میان می‌آورد و به دنبال آن مطالبه سازمان‌های زنان اسلام‌گرا مبتدی بر حفظ حجاب اسلامی شکل گرفته است. بنا به گزارش سرویس ترجمه شفقنا در مالاوی فاطمه نادیا، رییس انجمن زنان مسلمان از جویس باندا رییس جمهور این کشور خواسته است که دولت او اجازه دهد زنان مسلمان بتوانند در فضایی به دور از تبعیض قادر باشند در ادارات دولتی از حجاب اسلامی استفاده کنند. در سمت دیگر، دولت عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران قرار دارد که از حجاب زنان به مثابه پوشش رسمی و قانونی دفاع می‌کند و مبارزه با بی‌حجابی را یک وظیفه شرعی می‌داند (Moghadam, ۱۹۸۹:۴۸).

<sup>۱</sup> - در این کشورها مشارکت زنان محجبه در مراکز دولتی، عرصه سیاسی و پارلمان ممنوع است.